

در جستجوی تاریخ اصیل

نهضت سرداران خراسان

ای. ب. - پتروشفسکی

ترجمه: کریم کشاورز - ۱۱۹ ص ۶۰ ریال

و خدمتگزاران ، محبوب شوند . در واقع دستگاه شاعرپروری و مورخ سازی ، همان کاری را می‌کرده است که سازمانهای تبلیغاتی کشور ها در عصر ما عهده‌دار آن کار است .

پرفسور ای. اچ. کار مینویسد : «تاریخ بطور کلی ، دفتر ثبت کارهایی است که افراد انجام داده‌اند ، نه آنچه از عهده برنیامده‌اند . بدین ترتیب تاریخ ناگزیر داستان موفقیت هاست .»

پرفسور تاوئی مورخ انگلیسی معتقد است که مورخان «نیروهای بیروز را در معرض تماشا میگذارند و آنگاه آنرا که شکست خورده‌اند در پس صحنه قرار میدهند .» (۲)

اینگونه تواریخ اگر چه ناکرده ها را شرح نداده‌اند ولی دزدکر کرده‌ها نیز به مسخ واقعیت‌ها پرداخته‌اند ، و تاریخ را عبارت از قهرمان پروری و قهرمان سازی تلقی کرده‌اند . ولی باید دانست که تاریخ را توده های مردم میسازند نه قهرمانان ! کوروش را تنها و بدون مردم زمانه‌اش ستودن نفی ارزش طبقات اجتماعی در واقعیت های تاریخی است .

در بعضی موارد مورخ دانسته و به عمد و گاه به اجبار به مسخ واقعیت می‌پرداخت . چنانکه عضدالدوله دیلمی مورخی بنام ابواسحق صابی را به بهانه اینکه در دستگاه فخرالدوله دبیری می‌کرده است گرفته و بزدان انداخت و می‌خواست که او را در پای فیل بیاندازد . که عده‌ای پای شفاعت در میان نهادند و اوصابغ را وادار کردند که کتابی در باب تاریخ دیالمه بنویسد و بیاد است که در چنان حالی او چه می‌توانست بنویسد . گویند وقتی بدان کار اشتغال داشت یکی از یاران بر او درآمد و او را بدان کار سرگرم دید پرسید بچه‌کار مشغولی ؟ ابواسحق گفت : اباطیل الفقها و اکالیبالفقها (۳)

از میان کتابهای تاریخی ایران کتابی را سراغ داریم بنام ظفرنامه تالیف شرف‌الدین بزدی ، در باب سلطنت تیمور که اوائل حال و تاریخ اجداد او را از روی قصه های منظوم اویفوری نقل کرده است . البته چنانکه در خور مورخی چنوست با لحنی مشحون از تملق و تعصب سخن گفته و «ذات مکرم آیات !» آن جبار قهار را «مظهر لطف نامتناهی» خوانده و «مکتون ضمیر مستنیر» او را «مض خیر و نیکخواهی» شمرده است و آنگاه خونی‌ریزها و ستمکارهای او را که موجب نفرت طبع انسانی است با اعجاب و تحسین تمام ستوده است . این کتاب که با سلوب منشیانه تالیف یافته و به صنایع بدیعی و اشعار وامثال آراسته شده بعدها ماخذ و مرجع غالب مورخان واقع شده است ، که بعد از شرف‌الدین خواسته‌اند تاریخ این جهانگشای خونریز را نقل کنند و بیاد است که تأثیر داوری و زبان آوریهای او در آثار مورخین بعد چگونه است .

یکدسته از مورخان ایرانی گویی با نویسندگانی متکلف ، همانند نویسنده مرزبان نامه مسابقه تکلف‌نویسی گذاشته بودند . آنها بکلی مفهوم تاریخ حتی وقایع نگاری را فراموش کرده و سعی در سجع نویسی و نوشتن عبارات پیچیده و مفلک داشتند . مشهورترین آنها جهانگشای جوینی و

نهضت سرداران خراسان پژوهش محققانه‌ایست از پتروشفسکی در باب نهضتی از نهضت های ایران .

از پتروشفسکی چند کتاب بوسیله آقای کریم کشاورز ترجمه شده که هر کدام نمایانگر دانش ژرف و قدرت خلاقه‌اش در تبعات مربوط به تاریخ ایران است . «اسلام در ایران» ، «کشاورزی و مناسبات ارضی عهد مفل» ، «تاریخ آبیاری و فنون کشاورزی در ایران» و دهها رساله و مقاله ترجمه نشده درباره نظام فئودالی ایران ، نمونه گویایی است از پژوهش این دانش‌مرد در مورد ایران .

اصولا قسمت اعظم تبعات ایرانی را ، تحقیقات محققین روسی تشکیل میدهد و از این نظر ما به دانشمندان روسی نهایت مدیونیم . پژوهشهای محققین روسی در تمامی زمینه ها از دواوین شعرا گرفته تا متون و مطالعات تاریخی ممدوخه در خور ارج و ارزش است (۱)

تایید کار پژوهشگران روسی ، صحنه گذاشتن برکار بعضی از مستشرقین مغرب زمین نیست ، چه میدانیم که قصد بعضی از آنان تحقیق صرف نبوده و هدفی استعماری بوده است . ولی کار ما قایت پژوهش دقیق در زمینه مطالعات مربوط به تاریخ ایران است . تا زمانیکه محقق ایرانی همانند تبعات خارجیان اثری عرضه نداشته ، باید مطالعات غربیان را محترم شمرد .

مطالعات تحقیقی ما با پژوهشهای خارجیان فاصله‌ی عمیق دارد . سالها باید که این فاصله پر شود و مطالعات ایرانی همانند پژوهشهای خارجی گردد .

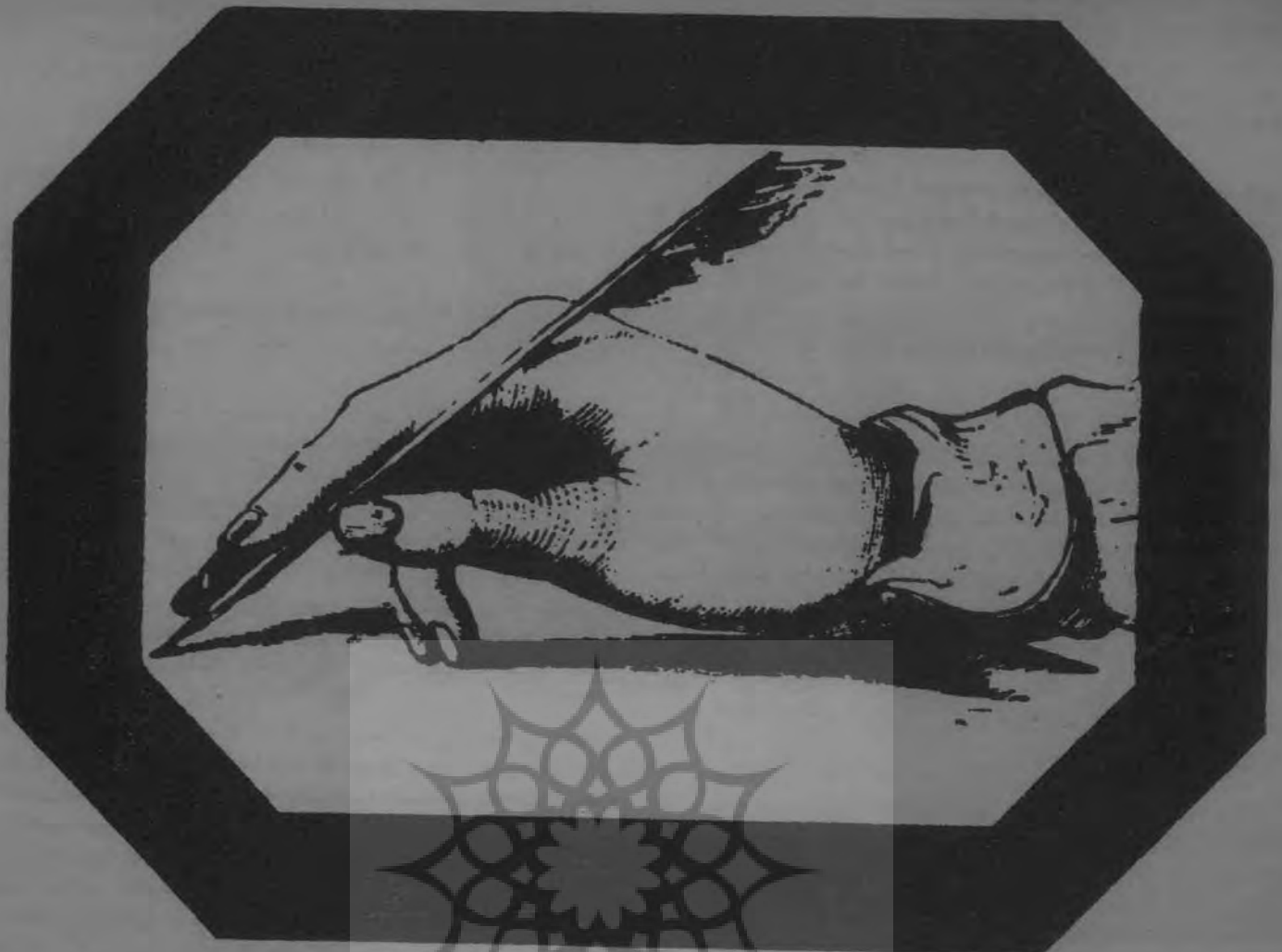
محققین ما همانند مورخان قدیم ایرانی از تاریخ فقط وقایع‌نگاری را دریافته‌اند .

مورخان قدیم به وقایع نگاری غلط از دورانهای گذشته پرداخته‌اند و در میان آنان همانند «ابن خلدون» کمتر پیدا میشدند که به جامعه شناسی نیز نظر داشته و تاریخ را از دیدگاه جامعه‌شناسی بررسی کرده باشند . مناسفانه اکثر تواریخ ما را وقایع‌نگاری صرف تشکیل میدهد و توان گفت نویسندگان تاریخ وقایع‌نگار بوده‌اند نه مورخ !

وظیفه اصلی مورخ ضبط وقایع نیست ، بلکه ارزش یابی است ، چون بدون ارزش یابی ، چگونه میتوان پی‌برد که کدام موضوع ارزش ضبط دارد ؟

کارل بکر مورخ آمریکائی میگوید :
«واقعیات تاریخ برای هیچ مورخی وجود ندارد ، تا اینکه خود آنها را بیافریند .» (۲)

بیشتر تواریخ ایرانی در دوره یک سلسله نوشته شده و بنام فرد خاصی موسوم گشته است و لاجرم بادواوین شعرای مداح همانندی دارد و از ستایشها و مبالغه ها لبریز است چنین آثاری را بعنوان تاریخ شناختن اشتباه محض است . اصولا حاکمان قدیم می‌خواستند آوازه مردی ، دلیری ، جنگاوری ، دشمن شکنی ، کشور گشایی ، رعیت نوازی ، دادگستری و بخشش فراوان آنان به همه جا برسد ، تا دشمنان ایشان مرعوب ، و دوستان



پیش از حمله مغول ، جامعه فتودالی ایران سیری صعودی را می-
 پیمود حمله مغول جریان این سیر را تندتر کرد و ایران در زمان مغول خصوصا
 هلاکوئیان بصورت يك جامعه فتودال درآمد .

امپراتوری چنگیزخان با شرکت فعال سران جامعه مغول که بصورت
 فتودالیهای مقتدری درآمد بودند ، تاسیس شد بناچار دولت جدید میبایست
 مبین و مدافع منافع مالکیت های بزرگ باشد . در نزد بزرگان مغول مفهوم
 جنگ ، با چپاول و گرفتن اراضی و کسب غنائم مترادف بود و چنین جنگی
 تا حدی بخشی از فعالیت تولیدی ایشان بشمار میرفت .

کشاورزی مقولها تحت نظام صحرانشینی بود و شیوه تولید صحرا-
 نشینی با کشاورزی مقابرت داشت .

«شیوه تولید صحرانشینان چنان است که وجود پهنه های عظیم
 غیر مسکون شرط عمده دامداری میباشد این پهنه های غیر مسکون را
 صحرانشینان بوسیله اخراج و بیرون راندن کشاورزان ثابت درمحل بوجود
 میآوردند و غالبا بدین منظور به عنف زمینهای مزروع ایشان را قصب و
 تصاحب میکردند . واحدهای شکوفان بدین طریق بدشت مبدل گشت .» (5)
 افزایش دامداری صحرانشینی و توسعه سطح مراتع در ایران قرن
 هشتم یکی از علل عقب ماندن اقتصاد کشور بوده است . کشاورزی قدیم و
 پربرکت ایران که برچیره دستی و آزموذگی روستاییان در امر زراعت و
 باغداری متکی بود در بسیاری از نواحی آن سرزمین جای خود را به دامداری
 صحرانشینی و یا نیمه صحرانشینی تفویض کرد .

درة نادری از میرزا مهدی خان استرآبادی و تاریخ توصیف می باشد .
 با چنین سوابقی درباره تاریخ ایران و نحوه تلقی مورخان ایران از
 تاریخ ، معلوم میشود ما تاریخ بالنسبه روشن و مدققی که بتواند تاریکهای
 تاریخ ایران را از همه جهات روشن کند ، کمتر داشته ایم و بهمین جهت
 مطالعات پژوهشگرانی همچون بطروشفسکی درخور ارج و ارزش است .

و حال میرسیم به کتاب نهضت سرداران خراسان از ایلیا پاولویچ
 بطروشفسکی .

نهضت سرداران خراسان نهضتی بود علیه استثمار انسان از انسان
 یعنی نظام فتودالی و لاجرم گرداننده اصلی این نهضت اکثریت محروم اجتماع
 یعنی طبقه استثمار شده (دهقانان) بودند .

استثمار انسان از انسان در طول تاریخ به اشکال مختلف بروز کرده
 است که از آن میان دو شکل عمومیت بیشتر دارند .

یکی استثماری است که از طریق «اجبار مستقیم» تحقق یافته و
 دیگری با «اضطرار اقتصادی» اجرا شده است . بردگی ، استثماری است
 که بطور مشخص و از طریق «اجبار مستقیم» یا «غیر اقتصادی» تحمیل
 شده است در نظام فتودالی که حالت بینابین استثمار را منعکس میساخت
 استثمار از طریق «اجبار مستقیم» غلبه داشته است ولی ، در سرمایه داری ،
 استثمار از طریق «اضطرار اقتصادی» کارگران ، که فاقد وسایل تولید هستند
 جای استثمار نوع اول را میگیرد .

این نظام منحط در دوره هلاکوئیان به اعلا درجه‌اش رسید و راهی تازه برای جنبش‌های آزادی بخش بازکرد.

این جنبشها که سرآغاز اقلیتی را شامل میشد کم‌کم به نهضت‌هایی وسیع مبدل شد و بسود اکثریت محروم به مبارزه پرداخت.

نظام فئودالی مردم را بستوه آورده بود و مردم گرسنه چاره‌ای جز مبارزه با طبقه حاکمه نداشتند. هدف مبارزه آنان برای بدست آوردن حداقل معیشت و تامین ضرورت‌های حیاتی بود.

«ضرورت‌های حیاتی در وهله اول خوردنی، نوشیدنی، پناهگاه، پوشاک و چند چیز دیگر است، بنابراین اولین عمل تاریخی، تولید وسایل ارضاء این احتیاجات است.» (۶)

وقتی مردم به شخصیت تاریخشان پی‌برده و دشمن اصلیشان را شناختند در مقابلش جبهه گرفتند. و این جبهه‌گیری انقلابشان را تسریع کرد.

قیام‌کنندگان نام «سربداران» را اختیار کردند. روایت مورخان که مبتنی بر «تاریخ سربداران» میباشد این عنوان را به معنی «محكوم بدار» ، «مابوسان» و «بخشایش‌ناپذیران» دانسته و منشاء آن را چنین توجیه میکنند: قیام‌کنندگان میگفتند «جمعی از مفسران استیلا یافته به‌خلاق ستم میکنند اگر توفیق یابیم، دفع ظلم ظالمان نمایم و الا سرخود را بردار خواهیم که دیگر تحمل تعدی و ظلم نداریم.» (۷)

زمینه اصلی این نهضت از تصوف ناشی میشد و موجد حقیقی آن شخصی بنام «شیخ خلیفه» بود. و این مایه شگفتی است که از مکتب تصوف که جنبه‌ی فردگرایی داشته شخصی پیدا شود که بصورت رهبری انقلابی تجلی کند.

نیاید فراموشی کرد که تصوف در ابتدا جنبه‌ی اجتماعی داشته و بصورت جنبه‌ی در مقابل نفوذ اعراب قد علم کرده بود. ولی کم‌کم تبدیل به مکتبی ضد اجتماعی شد تا جائیکه با فئودال‌ها به همکاری پرداخت و تبلیغ ترک علائق دنیوی و چشم پوشی از دارفانی و این ویران‌سرای تباهی و امتناع از هرکوشی و فعالیت اجتماعی، قدرت قشرهای بالای مملکت را استوار ساخت. طبقه‌های تصوف تعلیمات خویش را در باره تزکیه نفس و امساک در استفاده از لذایذ دنیوی به تبلیغ عدم مقاومت در برابر زور و شکستایی و فرمانبرداری عامه خلق در برابر بیگانه مبدل ساختند.

بی‌سبب نبود که عده‌ای از سران فئودال حامی جدی در برابر طرائق درویشی یاد شده گشتند.

چون نهضت سربداران از تصوف ناشی میشد، همانند نهضت‌های مزدک و اسماعیلیه جنبه‌ی مذهبی داشت.

اصولا نهضت‌های ایرانی به تمامی دارای جنبه‌ی مذهبی بوده‌اند. ایرانی بالفطره مذهبی است و تنها از این راه است که میتوان به مبارزه‌اش دعوت کرد.

تمامی سرداران و برگزیدگان این نهضت تمایلی شدید به مذهب تشیع داشته‌اند. زمانیکه «طوفای تیمورخان» آخرین ایلخان مغول ایلچی نزد شیخ حسن ووجه‌الدین مسعود (از سرداران سربداران) فرستاد و تکلیف کرد که سر به اطاعت وی نهند شیخ پاسخ ایلخان را چنین میدهد:

«پادشاه و مارا اطاعت خدای عز و علا میباید کرد و مقتضی قرآن مجید عمل میباید نمود و هرکه خلاف این معنی کند عاصی باشد و بر دیگران واجب باشد که بدفع او قیام نمایند. اگر پادشاه بفرموده خدا و رسول (ص) زندگانی فرماید ما همه متابعت کنیم والا شمشیر در میان خواهد بود.» (۸)

جنبش مزبور بزودی قشرهای وسیع تولیدکنندگان را در بر گرفت و آنان را بمبارزه بخاطر منافع اجتماعی خویش، علیه بهره‌کشی فئودال و فاتحان بیگانه دعوت کرد.

شرکت فعال روستائیان در این نهضت موجب پیشرفت آن شد و روسای این نهضت چون قدرت این طبقه را دیدند، امتیازهایی به آنان

بطروشفسکی در يك برآورد کلی از نتایج این نهضت مینویسد:

«دولت سربداران يك دموکراسی روستایی نبود بلکه دولت خرده مالکین شمرده میشد. ولی در عین حال فقط به سبب گذشت‌های مهمی که بروستائیان کرده باقی مانده بود.» (۹)

ولی نهضت‌ها همیشه پایدار نیستند و گاهی متزلزل میشوند. عمر این نهضت نیز چندان دراز نبود و بیدایش دو جناح مخالف در نهضت، باعث تضعیف و شکست آنان شد.

بعد از شیخ خلیفه، شیخ حسن جوری شاگرد و مرید شیخ خلیفه و وجه‌الدین مسعود متفقا نهضت سربداران را اداره میکردند. وجه‌الدین مسعود شخصیتی سیاسی و شیخ حسن شخصیتی روحانی داشت. کم‌کم میان این دو اختلاف شدید روی میدهد و نهضت سربداران به دو جناح افراطی و میانه رو بدل میشود.

اتباع شیخ حسن به جناح افراطی می‌پیوندند و افراد وجه‌الدین مسعود به جناح میانه رو.

و از اینجاست که نهضت به سستی می‌گراید و راهی تازه برای دشمن گشوده میشود.

روش تحقیق بطروشفسکی نیز درخور تامل و دقت است، و بطروشفسکی از متون تاریخی و ادبی ایران آنچه در مورد سربداران و نظام فئودالی موجود بوده، خوانده و اهم مآخذ او را منابع ایرانی تشکیل میدهد. و این میتواند سرمشقی باشد برای پژوهشگران ایرانی که از قلت منابع در ایران ناله میکنند.

بی‌انصافی است که اگر در اینجا از زحمات کریم کشاورز در ترجمه این کتاب قدر دانی نکنیم.

ادبیات تحقیقی ایران به آقای کریم کشاورز نهایت مدیون است.

رشت محمود نیکویه
۷-۴-۵۱

حواشی

- ۱- آئینه تمامی تحقیقات روسها صادقانه و خالصانه نیست. چنانکه تحقیقات ایوانف درباره بیابانه نوعی جانبداری از آنان است و ایوانف ظهور بیابانه را بعنوان يك فرقه مذهبی یا حتی يك آئین تازه تلقی نکرده بلکه قبل از هر چیز يك نهضت بوده‌بی ناشی از احوال اجتماعی خاص و در واقع مخالف طبقه حاکمه وقت شناخته است.
- ۲- تاریخ چیست. ای. ا. ج. کار ترجمه حسن کامشاد انتشارات خوارزمی ص ۲۰.
- ۳- تاریخ چیست. ای. ا. ج. کار ترجمه حسن کامشاد انتشارات خوارزمی ص ۱۸۴.
- ۴- نقد و بررسی درباب مآخذ تاریخ ایران بعد از اسلام. عبدالحسین زرین‌کوب ص ۱۴.
- ۵- کشاورزی و مناسبات ارضی در ایران عهد مغول. ای. پ. بطروشفسکی. ترجمه کریم کشاورز جلد اول ص ۷۱.
- ۶- Marx-E angels. Die Deutscheologie
- ۷- زبدة التواریخ. حافظ ابرو بنقل از ص ۴۸ کتاب.
- ۸- روضة الصفا میرخواند بنقل از ص ۶۲ کتاب.
- ۹- ص ۹۸ کتاب.